

تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)

دوره ۱۵، شماره ۵۵، بهار ۱۴۰۲، صص ۳۶۸-۳۸۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۱۳

(مقاله پژوهشی)

DOI: [10.30495/dk.2023.700179](https://doi.org/10.30495/dk.2023.700179)

بررسی عنصر تشبیه در شعر عاشورایی شاعران دفاع مقدس (نصراله مردانی، علی معلم،

طاهره صفارزاده، فاطمه راکعی)

طاهره ستاریان<sup>۱</sup>، دکتر محمدرضا شادمنا من<sup>۲</sup>

### چکیده

تشبیه در رأس اسلوب‌های بیان قرار دارد، به‌نحوی که آشکارترین و بدیهی‌ترین صور خیال در این میان، عنصر تشبیه است که در تمامی ادوار بیشترین کاربرد را داشته است. توجه به تشبیه در شعر معاصر نیز از اصول مهم در اشعار شاعران ادبیات پایداری بوده است که به‌بهرترین نحو بیان شده است. تأمل و تفکر در تشبیهات شاعران دفاع مقدس (نصراله مردانی، علی معلم دامغانی، طاهره صفارزاده و فاطمه راکعی) به‌نوعی راه را برای شناخت تقلید این افراد از مضامین دیگران باز می‌کند و از طرفی دیگر ابتکار و نوآوری‌های این شاعران را نیز نشان می‌دهد. در واقع ساختارهای تشبیهی در اشعار یک شاعر از جمله نخستین مؤلفه‌هایی هستند که این تغییر را نمودار می‌سازد. تشبیهات در شعر این دوره جایگاهی خاص دارد و بسیاری از آنان بن‌مایه‌های عرفانی دارند. در واقع بیشتر شاعران دفاع مقدس در بیان تشبیه در شعر خود، از عناصر مادی و محسوس بهره برده‌اند و استفاده از عناصر تجربیدی و انتزاعی در ساخت تشبیهات به‌امری روشن و رایج بدل شده است. روش تحقیق در این پژوهش کتابخانه‌ای و به شیوه توصیفی-تحلیلی می‌باشد که داده‌های مورد بررسی در این مقاله از اشعار شاعران معاصر (نصراله مردانی، علی معلم دامغانی، طاهره صفارزاده و فاطمه راکعی) استخراج شده است.

کلیدواژه‌ها: تشبیه، شعر عاشورایی، شاعران دفاع مقدس، پایداری.

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد خلخال، دانشگاه آزاد اسلامی، خلخال، ایران.

nafise.h124000@gmail.com

<sup>۲</sup> استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد خلخال، دانشگاه آزاد اسلامی، خلخال، ایران. (نویسنده مسؤول)

mr.shadmanamin@gmail.com

## مقدمه

تشبیه از عناصر بنیادین شعر محسوب می‌شود و ناقدان از دیرباز در باب اهمیت آن سخن‌ها گفته‌اند. توجه به تشبیه در شعر معاصر نیز از اصول مهم در اشعار شاعران می‌باشد که با توجه به عاشورا و مصیبت اهل بیت (ع) به بیان واقعیات این امر در قالب تشبیه پرداخته‌اند. مردانی، معلم، صفارزاده و راکعی از شاعرانی هستند که بر اثر نگرش دقیق احساس و خلاقیت شاعری تشبیهاتی را خلق کرده‌اند که وسعت قلمرو معرفتی خود را به‌نوعی به‌نمایش گذاشته‌اند و از تحلیل این تشبیهات می‌توان به این باور رسید که میزان معنویات در این تشبیهات بالا بوده است. استفاده از عناصر تشبیه‌ساز در شعر شاعران عاشورایی، متناسب با حالات روحی و روانی شاعران و نیز موضوع تصاویر آنان به‌کار رفته است و رعایت این هماهنگی و تناسب میان عاطفه این شاعران با عنصر تشبیه، باعث تأثیرگذاری بیشتر این تصاویر شده است. این پژوهش بر آن است تا عامل تشبیه را در شعر عاشورایی شاعران دفاع مقدس به‌تصویر بکشد و از طرفی بتواند درونیات این شاعران را با استفاده از مهم‌ترین صور خیال برای مخاطب ترسیم کند.

شعر عاشورایی شعری متعهد است که ارزش‌های واقعه‌ی عاشورا را به‌زیبایی بیان کرده است و رسالت آن در واقع احیای آرمان‌های امام حسین (ع) و شهدای کربلا می‌باشد و در این بین شاعران عاشورایی معاصر از طریق زبان هنری تشبیه با تصویرگری‌های شاعرانه‌ی خود، یک موضوع را به‌زیبایی تحلیل و ترسیم می‌کنند. در واقع تکرار یک موضوع با زبان هنری متفاوت ضمن اثربخشی بر مخاطب، سبب جذب وی به‌درک موضوع و کسب التذاذ از آن می‌گردد. بنابراین پرداختن به این امر ضروری به نظر می‌رسد.

## پیشینه تحقیق

در زمینه پرداختن به شعر عاشورایی می‌توان به کتاب عاشورا در آینه شعر معاصر از نرگس انصاری اشاره کرد که با تحلیل محتوا به تطبیق شعرهای عربی و فارسی پرداخته است، کتاب صورخیال در شعر مقاومت از حسین قاسمی به ذکر نمونه‌هایی از صور خیال در شعر دفاع مقدس پرداخته است. مقاله‌ی تصویرهای ادبی در شعر عاشورایی معاصر از محمود فضیلت و شیدا اسکندری در نشریه‌ی ادبیات پایداری، شماره ششم، بهار ۱۳۹۱ به‌اثرگذاری زمان، مکان و حوادث عاشورا در ایجاد تصویرهای ادبی تشبیه، استعاره، مجاز، کنایه و ... اشاره دارد و نگاهی مختصر نیز به تشبیه داشته است.

## روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش کتابخانه‌ای و به‌شیوه توصیفی-تحلیلی می‌باشد که داده‌های مورد بررسی در این مقاله از اشعار شاعران معاصر (نصراله مردانی، علی معلم دامغانی، طاهره صفارزاده و فاطمه راکعی) استخراج شده است و اشعار این شاعران در زمینه آیینی و عاشورایی بوده است.

## مبانی تحقیق

### تشبیه

از عناصر بنیادین شعر محسوب می‌شود و ناقدان از دیرباز در باب اهمیت آن سخن‌ها گفته‌اند. در واقع تشبیه «مانند کردن چیزی است به چیزی مشروط بر این که آن ماندگی مبتنی بر کذب باشد نه صدق یعنی ادعایی باشد نه حقیقی. تشبیه مصدر باب تفعیل است و معنایش این است که آن دو چیز شبیه به هم نیستند و بین آن‌ها شباهت نیست و این ما هستیم که این مشابَهت را ادعا و برقرار می‌کنیم» (شمیسا، ۱۳۸۵: ۶۶-۶۷).

### شعر عاشورایی

شعری با مضمونی در رابطه با حادثه‌ی عاشورا در قالب ادبی یعنی با ویژگی‌های فراهنجار نسبت به زبان معیار است و در سروده‌های بسیاری از شاعران معاصر به چشم می‌خورد. «واقعه‌ی عاشورا از دیرباز در شعر و نثر فارسی اثر گذاشته است، در اشعار شاعرانی چون کسایی، عطار، مولانا، ابن‌یمین و حتی نثرهایی چون تاریخ بیهقی رگه‌هایی از شعر عاشورایی دیده می‌شود. شعر عاشورایی که آغاز آن، همپای شعر دری دانسته شده» (مجاهدی، ۱۳۷۶: ۱۳).

### ادبیات پایداری

«معمولاً به آثاری اطلاق می‌شود که تحت تأثیر شرایطی چون استبداد، جنگ، نبود آزادی‌های فردی و اجتماعی، قانون‌گریزی و قانون‌ستیزی، غضب قدرت و... شکل می‌گیرند» (سنگری، ۱۳۷۹: ۵۳). ادبیات پایداری از نوع ادبیات متعهد است و مفاهیم بزرگ و ارزشمندی را در بردارد. صرف‌نظر از ویژگی‌های کلی ادبیات پایداری، وجه ممیزه آن را از سایر مقوله‌های ادبی باید در پیام و مضمون آن دانست، آثاری از در این آثار ضمن القای امید به آینده و نوید پیروزی

دعوت به مبارزه و ایستادگی مقابل ظلم و ستم و مدح و ثنای آزادی و آزادگی و ارج نهادن به شهادی که در راه مملکت، وطن و آرمان‌های انقلابی خود گام نهاده‌اند به چشم می‌خورد.

### بحث

#### بسامد سبکی تشبیه در اشعار نصراله مردانی

یکی از عرصه‌هایی که نصراله مردانی در آن به هنرنمایی پرداخته است مقولۀ تشبیه است. در واقع این صنعت راهی برای نشان‌دادن توانایی تخیل شاعر در یافتن پیوندی مناسب میان اشیاء و کشف روابط تازه در بین پدیده‌ها و امور متفاوت است. مردانی از حضور آشکار تشبیه در اشعار خود بهره برده است و تنوع این صنعت در سخنان وی به‌طور چشم‌گیری قابل مشاهده است. این نوع تشبیهات که با نوعی توانش زبانی و خلاقیت هنری همراه است، مخاطب را با خود به‌متن واقعه مورد نظر شاعر می‌برد و بیان صادقانه وی چنان گیرا و گویا است که گویی هدفی جز زیبایی‌آفرینی با عنصر تشبیه ندارد.

مردانی در بیت زیر از تشبیه حسی استفاده کرده است و این تشبیه همان است که با حواس پنجگانه درک می‌شود «مراد از حسی چیزی است که به یکی از حواس ظاهری پنجگانه: باصره، سامعه، شامه، ذائقه، لامسه ادراک شود» (رجایی، ۱۳۷۲: ۲۴۵). فرات اشک در بیت زیر تشبیه حسی است که مردانی اشک را از لحاظ کثرت و زیادی به فرات مانند کرده است. در این تشبیه شاعر برای درک هر چه بیشتر مشبه آنرا به امری محسوس تشبیه می‌کند و این نوع تشبیه در اشعار شاعر از اهمیت بیشتری برخوردار است. شاید دلیل این توجه را بتوان در این امر دانست که شاعر بیشتر از آن‌که به امور بیرونی توجه داشته باشد، مفاهیم مجرد و انتزاعی را مدنظر قرار داده و تمایل خود را به این نوع مفاهیم معطوف می‌دارد:

فرات اشک ز چشمان خاک می‌جوشد به سوگواری گل‌های کربلا با ما  
(مردانی، ۱۳۷۴: ۴۴)

هم‌چنین افق خون در بیت زیر تشبیه حسی به حسی است و می‌توان گفت مردانی شاعری است که در تشبیه، توصیف امور عینی را بر تجربه‌های باطنی و امور متافیزیکی ترجیح می‌دهد، وی در این شعر سروده است:

جلوه روح خدا در افق خون تو دید آن که با پای دل از قلۀ ادراک گذشت  
(مردانی، ۱۳۷۰: ۲۱)

در عبارت تیشه خون، که هر دو طرف تشبیه حسی است حضور آشکار تشبیه را می‌توان یکی از جنبه‌های مهم برجسته‌سازی در شعر شاعر معرفی کرد که تنوع آن در اشعار وی چشم‌گیر می‌باشد. شاعر با به‌کاربردن تشبیهات ساده و روان در شعر خود، حاکمیت هنر سبک خراسانی را یادآور گشته و با تشبیه حسی به حسی که یکی از قدیمی‌ترین تشبیهات است، تشبیهی ساده را به‌کار برده است و سروده است:

راه ما راه حسین است که با تیشه خون همه بت‌های زمین، در شب روشن شکینم  
(مردانی، ۱۳۷۴: ۲۴)

در ابیات زیر دریای ایثار و دریای وقار، تشبیهاتی هستند که در آن مشبه عقلی و مشبه به حسی است و مردانی درصدد است تا بتواند با ایجاد ترکیب‌های انتزاعی (با یک نیمه محسوس و یک نیمه نامحسوس) بیش از این که تخیل مخاطب را تحت تأثیر قرار بدهد، فکر وی را نشانه بگیرد. زمانی که شاعر از دریا سخن می‌گوید، طبیعتاً دریای مواج به چشم می‌آید اما زمانی که از دریای ایثار و یا دریای وقار حرف می‌زند، این ایثار و وقار است که برجستگی می‌یابند:

فرات مهربانی، تشنه لب‌های عطشان تو آن دریای ایثاری که در باور نمی‌تابد  
(مردانی، ۱۳۷۶: ۱۸۴)

زینب ای گوهر دریای وقار صبر از صبر تو، بی‌صبر و قرار  
(مجاهدی، ۱۳۷۶: ۳۳۷)

در شعر زیر در ترکیب چشمه نور، شاعر از تشبیه تفضیل بهره جسته است و می‌توان گفت که نور به عنوان مشبه در نزد وی از انواع ملموس است و به‌طور کل، در یک مجموعه‌ای از نسوج حسی کلمات وی شکل گرفته‌اند و تنیده شده‌اند. اگرچه در مجموعه اشعار مردانی و تشبیهات وی بخش‌های فراوانی از عناصر طرفین تشبیه شکلی کلاسیک به‌خود گرفته است و در گروه واژگان کهنه قرار دارد، اما مردانی با جایابی این واژگان و عناصر در محور خیال، کهنگی را از هیأت این عناصر زدوده است و تشبیهی با معماری خیال خلق کرده است:

زینب ای پاک‌تر از چشمه نور کس نیامد به جهان چون تو صبور  
(مجاهدی، ۱۳۷۶: ۳۳۷)

و نیز در بیت زیر از تشبیه تفضیل بهره برده و با استفاده از فعل منفی، ماه بنی‌هاشم را از آفتاب برتر دانسته است. شاعر از چشم‌اندازها و مناظر طبیعی در خلق تشبیه زیر سود برده است و ترسیم عواطف زیبایی، یکی از حوزه‌های کارکردی این نوع از تشبیه در شعر وی است: به شام کربلا افتاده در دریای شب ماهی که هرگز آفتابی این چنین دیگر نمی‌تابد (مردانی، ۱۳۸۶: ۱۳۰)

شاعر در ترکیبات سنگر ایمان و بیرق داد در اشعار زیر از مکان و اشیاء بهره برده است و از طرف دیگر ویژگی‌ای که در این تشبیهات دیده می‌شود، رنگ حماسی در آنها است که با توجه به جاری بودن روح حماسه در شعر مردانی، این تشبیهات در شعر وی کاربرد بیشتری داشته‌اند:

بیرق سرخ تو افراشته بر بام جهان سینهات سنگر ایمان به خون آذین است (مردانی، ۱۳۸۶: ۱۹۶)

زینب ای اسوه ایشار و خروش بیرق داد گرفتگی تو به دوش (مجاهدی، ۱۳۷۶: ۳۳۷)

شط خون در بیت زیر تشبیه خیالی است که شاعر امر واقعی با امر خیالی که در عالم واقع وجود ندارد را همانند می‌کند. وجه شبه در این تشبیه از طریق تخیل ایجاد می‌شود چون وجه-شبه آن صفتی عقلی و غیر واقعی است که از مجموع دو یا چند چیز شکل گرفته است. از طرفی وسیع‌ترین حوزه‌ای که مردانی به آن توجهی وافر برای تصویرگری داشته است، استفاده از قالب تشبیه بوده است:

کنار شط خون دستی و مشکی پاره که، عباس دلاور از برادر سر نمی‌تابد (مردانی، ۱۳۷۶: ۱۸۴)

و نیز ترکیب چشمه نور در بیت زیر:

زینب ای پاک‌تر از چشمه نور کس نیامد به جهان چون تو صبور (مجاهدی، ۱۳۷۶: ۳۳۷)

مردانی در اشعار خود از تشبیه بلیغ استفاده فراوانی کرده است و اغلب در این نوع تشبیه یکی از طرفین تشبیه از مفاهیمی بوده است که به نوعی با جنگ و شهادت و عاشورا ارتباطی مستقیم داشته است و چنین تشبیهاتی مهیج بوده‌اند و با موسیقی‌ای که در متن اشعار به وجود

آورده است، فکر و تمرکز مخاطب را به سمت این مفاهیم سوق داده است. وی در این ابیات از ابر بلا و گلوگاه فلق به عنوان تشبیه بلیغ بهره برده است و این گونه تشبیه تازه و بدیع که باعث تازگی کلام وی شده است، در غزلیات مردانی به فراوانی یافت می‌شود:

می‌رویم آری، به‌سوی کربلا      گر ببارد ز آسمان ابر بلا  
(مردانی، ۱۳۷۴: ۶۹)

گلوگاه فلق در بیت زیر:

ریخت هر قطره خون تا ز گلوگاه فلق      آفتابی شده در ظلمت بی‌داد شکفت  
(مردانی، ۱۳۷۰: ۲)

لحن حماسی در تشبیه کربلای ظفر به خوبی مشهود است و مردانی می‌کوشد تا با این تشبیه فضای تصویری این بیت را با زمینه عاطفی و زبانی آن هماهنگ کند:

درفش پاره دل بر مناره تاریخ      به کربلای ظفر در غروب غم بزنید  
(مردانی، ۱۳۷۰: ۲۱)

شاعر در بیت زیر و در تشبیه مرسل، اصحاب و یاران شجاع را به محرابیان تشبیه کرده است و در این نوع از تشبیه شاعر ذهن مخاطب را چندان دچار چالش و جست‌وجوگری نمی‌کند. وی در این بیت سروده است:

به دار شعله بخوانند شعر بیداری      که از نییره محرابیان بردارند  
(مردانی، ۱۳۷۰: ۱۳)

مردانی تشنگی امام حسین (ع) را به آب زلال تشبیه کرده است و انتخاب مشابه‌های محسوس چون رود فرات در این بیت در تأثیرگذاری و عینیت‌بخشیدن کارآمد است و مردانی در صدد است تا مخاطب بتواند بی‌هیچ تأملی به‌وجه‌شبهه و مقصود شاعر دست یابد:

بود لب تشنه لب‌های تو صد رود فرات      رود بی‌تاب کنار تو عطشناک گذشت  
(مردانی، ۱۳۷۰: ۲۱)

### بسامد سبکی تشبیه در اشعار علی معلم

خیمه غم در بیت زیر تشبیه بلیغ اضافی است که مشبه و مشبه‌به به‌صورت ترکیب اضافی بیان می‌شود:

چرا نبینی به‌کوه بشکوه که در تشهد شکسته زانو؟

چو در محرم قرین ماتم، به خیمه غم نشسته بانو؟

(معلم، ۱۳۹۲: ۱۷۱)

شید در این بیت مخفف خورشید است و شاعر سر آغشته به خون امام حسین (ع) را به خورشیدی در شفق تشبیه کرده است که آنرا مانند صدفی در آب دیده است:

شید و شفق را چون صدف در آب دیدم خورشید را بر نیزه گویی خواب دیدم

(معلم، ۱۳۷۸: ۷۷)

معلم در وصف شهادت امام حسین (ع) با اضافه تشبیهی زیبایی شفق سرخ را به جامی پر از شراب سرخ تشبیه کرده که خورشید در آن غروب کرده است:

روزی که در جام شفق مل کرد خورشید بر خشک چوب نیزه‌ها گل کرد خورشید

(معلم، ۱۳۷۸: ۷۰)

در بیت زیر شاعر از تشبیه مفصل بهره برده است که در این تشبیه وجه شبه ذکر می‌گردد و معلم در این بیت در کربلا و بلا بودن را به عنوان وجه شبه قرار داده است:

این پیر رهبر با اسیران در بلا بود با ما حسین آسا به دشت کربلا بود

(معلم، ۱۳۸۷: ۱۷۱)

در بیت زیر شاعر از تشبیه حسی بهره برده است و خورشید و لاله به عنوان مشبه و مشبه به از امور حسی هستند که شاعر خورشید را در سرخی همانند لاله دانسته است:

این کیست بر نشسته شکسته بر اسب چون کمان سواران

خورشید خون گرفته مغرب چون لاله سرخ پوش بهاران

(معلم، ۱۳۹۲: ۷۷)

شاعر جام شفق را در بیت زیر به عنوان تشبیه قریب آورده است، و این تشبیه آن است که «وجه شبه در آن به خاطر هر احدی رسد» (مازندرانی، ۱۳۷۶: ۲۴۶)؛ یعنی وجه شبه چنان شناخته شده است که ذهن بدون هیچ تلاشی به آسانی به آن پی می‌برد. در جام شفق وجه شبه سرخی و قرمزی است:

روزی که در جام شفق مل کرد خورشید بر خشک چوب نیزه‌ها گل کرد خورشید

(معلم، ۱۳۷۸: ۷۰)

معراج دار در بیت زیر نیز تشبیه قریب است:

اوان مستی همچو اشتر باز راندم با میثم از معراج دار آواز خواندم



(معلم، ۱۳۷۸: ۷۷)

شاعر در این بیت از تشبیه ملفوف بهره برده است و در ابتدا چند مشبه جداگانه را ذکر کرده و سپس مشبه‌به‌های هر کدام را بیان کرده است. در این بیت مشبه‌ها فضا و بوی زخم و تازیانه است و مشبه‌به‌ها نیز کوه و دشت و تازیانه می‌باشد:

چون در بهاران کوه و دشت از رازیانه  
پر شد فضا از بوی زخم و تازیانه  
(محمدزاده، ۱۳۹۳: ۳۱۰)

در این بیت شاعر صبوری را به انسانی تشبیه کرده است که می‌توان از او کینه به دل داشت:  
من با صبوری کینه دیرینه دارم  
من زخم داغ آدم اندر سینه دارم  
(معلم، ۱۳۷۸: ۷۸)

شاعر در این بیت ابر و دریا را به انسان‌هایی تشبیه کرده است که به گریه و زاری می‌پردازند:  
بر ریگ صحرا با اباذر پویه کردم  
عماروش چون ابر و دریا مویه کردم  
(معلم، ۱۳۷۸: ۷۸)

هم‌چنین می‌توان به تشبیه سیب زنج در بیت زیر اشاره کرد:  
بر صخره از سیب زنج بر می‌توان دید  
خورشید را بر نیزه کمتر می‌توان دید  
(معلم، ۱۳۷۸: ۷۷)

#### بسامد سبکی تشبیه در اشعار طاهره صفارزاده

صفارزاده در این سطر از تشبیه مؤکد بهره برده است و آن «تشبیهی است که ادات تشبیه را حذف اما وجه‌شبهه را ذکر کرده باشد» (همایی، ۱۳۷۷: ۱۶۰). وی شب را به‌عنوان مشبه، یزید را مشبه‌به و وجه‌شبهه را غلبه و سلطه‌داشتن بیان کرده است:  
«شب / سلطه یزیدی‌هاست / و اهل علم الهی / در جنگ با جهالت / در جنگ با ستم و فتنه / شام زمانه را / بیدار مانده / بیتوته کرده‌اند» (صفارزاده، ۱۳۸۴: ۵۴).

تشبیه سر به مخزن، و وجه‌شبهه نیز افزون بر شکل، نگه‌داری و پرجمی است:  
«هنوز این سر غم‌دیده / سری که مخزن درد زمانه‌هاست / از عطر دامن بانو / از عطر آسمانی  
رؤیا مغشوش است» (صفارزاده، ۱۳۸۴: ۱۰۹).

شاعر در این بیت قبر حضرت فاطمه (س) را به رمز هفتگانه تشبیه کرده است:  
«بر ضد اشقیاست / گر قبر ناشناخته بانو / آن رمز هفتگانه، در عمق قلب ماست» (صفارزاده،

(۱۳۸۴: ۱۲۰).

و نیز در سطرهای زیر شاعر در عبارات ارتفاع عقیده، ارتفاع ایمان و مرز جان، تشبیه بلیغ را به کار برده و گفته است:

«و ارتفاع صخره و کوه/ به زیر پای دلیرانی است/ کز ارتفاع عقیده/ از ارتفاع ایمان می جنگند/ از مرز جان چون صخره می گذرند/ پروازشان از خاک/ سوی نور» (صفارزاده، ۱۳۸۴: ۳۸).  
به کارگیری گزاره‌های اضافه تشبیهی در شعر صفارزاده فضایی روان و سیال را در شعر وی خلق کرده است و او در این سطر از ترکیب تشبیهی، نیزه غمگین بی کسی بهره برده است:  
«و خواهم خواند/ از کید اشقیاست اگر سردار/ سر می نهد به نیزه غمگین بی کسی» (صفارزاده، ۱۳۸۴: ۱۲۰).

و نیز در عبارت حق آینه از اسنادهای مجازی در ساخت تشبیه بهره برده است:  
«حق آینه است/ که چون شکسته شود/ هر ذره اش/ دوباره آینه‌ای خواهد شد/ سپید و روشن و کامل» (صفارزاده، ۱۳۸۴: ۱۳۲).

#### بسامد سبکی تشبیه در اشعار فاطمه راکعی

شاعر در این بیت حضرت زینب را به دریای فضیلت‌ها تشبیه کرده و گفته است:  
با تو که بحر فضیلت‌هایی من که پیمان‌ه ناگنج‌ایم  
(محمدزاده، ۱۳۹۳: ۴۸۵)  
راه وفا در بیت زیر تشبیه است که در آن مشبه عقلی و مشبه به حسی است:  
هلا تو راه وفا را به انتها برده ز خود رها شده، در اوج عاشقی مرده  
(محمدزاده، ۱۳۹۳: ۴۸۵)  
راکعی در اشعار خود از تشبیهات ساده همانند بیت زیر بهره برده است و خود را به بغضی کهن در شکنندگی مانند کرده و گفته است:  
مثل یک بغض کهن می شکم در حرم می پیچد آوایم  
(محمدزاده، ۱۳۹۳: ۴۸۵)

شاعر با آوردن غربت عشق در بیت زیر از تشبیه بلیغ بهره برده است:  
شام شاهد نشسته خشمت را در فضایی به حجم غربت عشق  
(محمدزاده، ۱۳۹۳: ۴۸۳)

و نیز حرمت عشق در بیت زیر:

هر طرف ظلم و توبه تنهایی پاسدار حریم حرمت عشق  
(محمدزاده، ۱۳۹۳: ۴۸۳)

راکعی با به‌کار بردن شراب حادثه در تشبیهی حسی به عقلی این‌گونه سروده است:

بین به عشق رسیده، به عشق کوشان را شراب حادثه با کام عشق نوشان را  
(محمدزاده، ۱۳۹۳: ۴۸۶)

قامت صبر در بیت زیر اضافه تشبیهی است که شاعر نگاه خاص خود به حضرت زینب (س) را با این تشبیه بیان کرده است:

بر بلندای قامت صبرش نخل‌های مدینه بُرده سجود  
(محمدزاده، ۱۳۹۳: ۴۸۴)

شور عاشقی در این بیت اضافه تشبیهی است:

ز خون اوست، اگر خون عشق در رگ‌هاست ز سعی اوست اگر شور عاشقی در ماست  
(محمدزاده، ۱۳۹۳: ۴۸۶-۴۸۵)

و نیز شور حسینی در بیت زیر:

اگر نه شور حسینی شکسته بهتر، دل مگر نه راه خمینی، نشسته، بهتر دل  
(راکعی، ۱۳۸۲: ۹۸)

تأمل و تفکر در تشبیهات این شاعران به نوعی راه را برای شناخت تقلید این افراد از مضامین دیگران باز می‌کند و از طرفی دیگر ابتکار و نوآوری‌های این شاعران را نیز نشان می‌دهد. درواقع ساختارهای تشبیهی در اشعار یک شاعر از جمله نخستین مؤلفه‌هایی هستند که این تغییر را نمودار می‌سازد. تشبیهات در شعر این دوره جایگاهی خاص دارد و بسیاری از آنان بن‌مایه‌های عرفانی دارند. درواقع بیشتر شاعران دفاع‌مقدس در بیان تشبیه در شعر خود، از عناصر مادی و محسوس بهره برده‌اند و استفاده از عناصر تجریدی و انتزاعی در ساخت تشبیهات به امری روشن و رایج بدل شده است. در واقع حسی‌بودن عناصر تشبیه در تعامل با فضای حماسی اشعار قرار گرفته است و اگرچه از دیدگاه شفیعی‌کدکنی «حماسه مجال استعاره و تشبیه نبوده است اما استعارات و تشبیهات آن باید از عناصر حسی، تجربی و مادی باشد، نه امور انتزاعی و خیالی؛ چون در حماسه گفتار شاعر دربارهٔ اموری است که در دسترس تجربه و

تعقل نیست... جهانی که هیچ نظامی از نظام‌های دنیای ما بر آن حاکم نیست. گزارش این چنین جهانی، اگر با کمک‌گرفتن از تشبیه و استعاره استوار شود، بی‌گمان فرودآوردن و تنزل‌دادن آن عالم است در حد همین عالم موجود و دنیای حس» (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۸۷: ۳۸۶-۳۸۵).

شاعران دفاع مقدس در بیان مفاهیم عاشورایی خود بیشتر از تشبیهات ساده و مرسل بهره برده‌اند و چون جنگ و مبارزه امام حسین (ع) توصیف رویدادی واقعی و حقیقی بوده است، شاعران درصدد ارائه توصیف‌هایی ملموس، آشکار و همه‌فهم بوده‌اند. از طرفی دیگر، گستره مخاطبان برای شاعران از اهمیت زیادی برخوردار بوده است و شعر را نه برای گروه و قشری خاص از مردم بلکه برای تمامی افراد جامعه سروده‌اند و به همین ترتیب بیان ساده و روشن را به بیان پیچیده و دیرفهم ترجیح داده‌اند. با توجه به این‌که شاعران در بیان مبارزه و جنگ از احساسات و عواطف خود بهره برده‌اند، می‌توان گفت که این تشبیهات گاه با شعار درهم آمیخته می‌شده است و شعریت در نگاه مخاطب رنگ باخته می‌شد. شاید به همین دلیل باشد که تشبیهات این شاعران از لحاظ معقول و محسوس و یا مفرد و مقید بودن هم، اغلب تشبیهات عقلی به حسی و یا حسی به حسی و یا مفرد به مفرد است. در جایی که شاعران قصد بیان باورهایی قدسی را دارند، از تشبیهات عقلی به عقلی سود می‌برند چون بر این عقیده بوده‌اند که باورهای قدسی در قالب حس نمی‌گنجند و جایی که باید ایمان، ایثار و شهادت بیان گردد، عرصه‌های بیان حسی محدودتر می‌شوند و اندیشه‌ها و تفکرات شاعر به سمت ژرف‌گرایی سوق پیدا می‌کند، به گونه‌ای که از لایه‌های سطحی بیان رد می‌شود و به ژرف‌ترین و عمیق‌ترین لایه‌های زبانی برای بیان اندیشه‌های خود دست می‌یابند.

در شعر این شاعران اضافه‌های تشبیهی نیز کاربرد داشته‌اند و شاعران از وجه و ماهیت دوقطبی آنان بهره‌کافی را برده‌اند. در این میان وجه‌شبه‌ها نیز در ساختار کلی تشبیه نقشی مهم را ایفا کرده‌اند و جهان‌بینی و وسعت و میزان گستردگی تخیل شاعر را نشان داده‌اند و می‌توان گفت که هرگونه دگرگونی و تغییر در وجه‌شبه‌ها به ایجاد تغییر در سبک و سیاق کلام نیز می‌گردد. گاه وجه‌شبه‌ها تخیلی نیز هستند و دلیل این امر را می‌توان در این مورد دانست که معمولاً یکی از طرفین تشبیه (مشبه یا مشبه‌به) را واژگان انتزاعی تشکیل داده و برای همین بیشتر وجه‌شبه‌ها از نوع تخیلی هستند. شاعران در تشبیهات خود و با توجه به بیان حماسه‌های جنگی، شهادت و مبارزه و نیز به این علت که نگاهی مقدس و عاشقانه و حق‌جویانه به مقوله

عاشورا داشته‌اند، می‌توان این واژگان را انفسی تلقی کرد. هم‌چنین شاعران دفاع مقدس با استفاده از پدیده‌ها و عناصر طبیعی در امر تشبیه، باعث ایجاد حرکت و جنبش در تصاویر شده‌اند و درونیات و اندیشه‌های خود را به مخاطب انتقال داده‌اند. اغلب تشبیهات شاعران دفاع مقدس به ذهن و تفکر خواننده نزدیک هستند و تأویلاتی پیچیده ندارند و این عدم پیچیدگی و سادگی می‌تواند ذهن مخاطب را به سمت سبک خراسانی و تشبیهات ساده و روان آن سوق دهد. این شاعران با به‌کارگیری تشبیهات مفرد به مفرد ابتکار و نوآوری و نیز زبان فاخر خود را نشان داده‌اند. شاعران این دوره تشبیهات خود را به‌دور از پیچیدگی و ابهام افراطی در جهت اهداف عنوی خود بیان کرده‌اند و گاه با بیان تشبیهات مفصل قصد داشته‌اند پیام‌های والا و مفاهیم بلند را به مخاطب برسانند، برای همین از عواملی که باعث پیچیدگی و ابهام در لفظ و معنا شده‌اند، دوری جسته‌اند. بسامد تشبیه بلیغ نیز در شعر این شاعران بالا بوده است.

شاعران دفاع مقدس به‌نوعی تشبیه‌گرا هستند و با به‌کاربردن تشبیهات مفرد و ساده در شعر خود به تشبیهات مرکب و مقید توجهی اندک داشته‌اند. این شاعران به فنون ادبی شعر و نیز تشبیهات پیچیده توجهی اندک داشته‌اند و تنها به انتقال معنا به خواننده آن هم از راه تشبیهات ساده بسنده کرده‌اند. هم‌چنین طبیعت نیز در تشبیهات این شاعران به‌طور نسبی به‌کار رفته است. در ارتباط با عنصر تشبیه در اشعار این شاعران نیز می‌توان گفت، گزاره‌های تشبیهی در اشعار آنان فضایی روان و سیال را در متن شعر ایجاد کرده است که همین گزاره‌ها در تقویت موسیقی درونی اشعار آنان نیز مؤثر واقع شده است. رعایت جنبه موسیقایی میان مشبه و مشبه‌به در اشعار این شاعران زمینه را برای هماهنگی میان این دو (مشبه و مشبه‌به) فراهم کرده است و می‌توان عنصر شهادت و دفاع مقدس را عنصری غالب در تشبیهات این شاعران بوده است که از نظر زبان و معنا نیز به اشعار آنان غنا و گستردگی بخشیده است. در اشعار این شاعران و تحلیل عاشورا در شعر آنان، غالباً اجزای تشبیه از یک حوزه معنای یا از حوزه‌های نزدیک به هم انتخاب شده‌اند و همین امر به زیبایی و انسجام این اشعار کمک کرده است. سیر تشبیه در اشعار این شاعران به گونه‌ای بوده است که آنان در کنار خلق عناصری جدید، روابط پیچیده و تأمل‌برانگیز را میان اشیاء و موجودات برقرار کرده‌اند و این شاعران در کل قالبی نو را در تشبیه برای بیان افکار و احساسات عاشورایی خود برگزیده‌اند. تلاش شاعران عاشورایی در راستا،

عینیت‌بخشیدن به ذهنیت‌ها و حسی‌کردن امور عقلی و تفهیم هر چه بیشتر و بهتر واقعه عاشورا در شعر است.

مردانی در تشبیهات خود عرصه‌های معانی را به نوعی درنوردیده و توانسته است در این زمینه قدرت ابتکار خود را نشان دهد. وی در اشعار خود به منظور تعبیر ذات و درونیات خود در اشعار عاشورایی، به این عنصر روی آورده و از طریق تصاویر تشبیهی تجربه‌های خود را به نگارش درآورده است. تشبیهات مردانی در ابتدا به صورت مفرد به مفرد بوده و شاعر تلاشی برای زیباسازی تشبیه نداشته است. وی در این تشبیهات که بیشتر حاصل دوره جنگ و دفاع مقدس است، برای مفاهیم عاشورایی به منظور پیوستگی با طبیعت و انتقال احساسات و عواطف خود، به عناصر طبیعت نیز روی آورده است و از طرفی تشبیهات وی نشان‌گر نوآوری و بداعت وی در امر واژه‌سازی و گسترش دامنه شاعری وی بوده است. لحن حماسی وی در این تشبیهات و به‌کاربردن الفاظ و اصطلاحات عرفانی نیز از ویژگی‌های تشبیهات وی می‌باشد. تصویر در تشبیهات مردانی در خدمت بیان مضامین شعری قرار گرفته است و تشبیهات صریح بر قلمرو شعر جنگ حکومت دارند.

زمانی که مردانی تشبیه را از حالت شعاری خارج می‌گرداند به سمت تشبیهات بلیغ و عقلی به حسی نیز روی می‌آورد و تشبیهات تفضیلی وی گامی در جهت نوسازی تشبیهات صورت گرفته است. تشبیه در شعر مردانی روش برتر بیان است که شاعر برای تصاویر شاعرانه خود از این عنصر مدد جسته است. مردانی برای ترسیم مشبه‌به‌های معقول، آن‌ها را به محسوسات تشبیه کرده است و این نوع تشبیه از ذهنیت انتزاعی شاعر حکایت می‌کند. شاعر از تشبیهات خیالی به‌ندرت استفاده کرده است و از طرفی وجود تشبیهات مرسل نشان از تفصیل و گستردگی تشبیهات شاعر دارد و نیز وجود تشبیهات تفضیل نشان‌دهنده این مورد است که وی اغراق را در برخی از موارد از طریق تشبیهات تفضیلی بیان می‌کند.

معلم نیز همانند مردانی از شاعرانی است که در تشبیهات خود از تشبیه حسی به حسی بیشتر بهره برده است که این امر می‌تواند بیانگر سادگی و عدم پیچیدگی تشبیه در شعر وی باشد. معلم شاعری است که با توجه به استفاده زیاد وی از تشبیهات ساده و حسی در شعر خود، زبان شاعران سبک خراسانی را یادآور می‌شود و می‌توان گفت که تشبیه در نزد علی معلم صنعتی

است که شعر را به فضای هنری و جوهر اصلی خود که همان کلام مخیل است، نزدیک می‌کند و از تشبیه در شعر خود بهره‌ای فراوان برده است.

معلم با آوردن عناصر حسی در طرفین تشبیه سعی دارد ارتباطی راحت‌تر با مخاطب برقرار کند و مشکلی که در این زمینه وجود دارد این است که به لحاظ شاخصه‌های هنری از آن‌جا که زمینه و بستر پرواز تخیل شاعر تا حد محسوسات محدود می‌شود، شعر ارزش ذوق و هنری کمتری دارد. علی‌معلم هم‌چنین در اشعار عاشورایی خود از تشبیه بلیغ نیز بهره برده است که این نوع تشبیه به شعر وی طراوت و ارزش ادبی بخشیده است. گاه شاعر به‌منظور تکریم شهادت و وجود امام حسین (ع) از این تشبیه استفاده کرده و عظمت مصیبت‌های کربلا را در ذهن مخاطب با صنعت تشبیه مجسم و قابل لمس نموده است. تشبیه ملفوف نیز در شعر معلم نمودی خاص دارند و شاعر از این رهگذر سخن خود را وجه‌ای ادبی داده و موضوع مورد بحث را در ذهن خواننده و مخاطب جایگیر ساخته است. اضافه‌های تشبیهی نیز در اشعار معلم دارای ایجاز بیشتری هستند و در بافت کلام به‌همراه دیگر آرایه‌ها و شگردها قدرت تأثیرگذاری بالاتری را به‌دوش کشیده‌اند. معلم با استفاده از انواع تشبیه در بستر شعرش دست به تصویر آفرینی‌ای شگرف می‌زند که از تسلط وی بر میراث ادب کهن حکایت دارد.

طاهره صفارزاده نیز در تشبیهات خود در بیشتر موارد با حذف ادات تشبیه سعی در نو کردن تشبیه داشته است و با توجه به این‌که شاعر اندیشه‌محوری را در پیش گرفته است و کمتر خود را درگیر فرم و شکل سخن نموده است، وجه‌شبه و ادات را به نسبتی کمتر در اشعار خود به‌کار برده است و با توجه به همین امر از تشبیه مؤکد تنها یک‌بار در این اشعار استفاده کرده است. می‌توان گفت که تشبیهات عقلی به حسی و حسی به عقلی به نسبتی یکسان در اشعار عاشورایی وی ذکر شده‌اند و با توجه به این‌که به‌کارگیری گزاره‌های اضافه تشبیهی در شعر صفارزاده فضایی روان و سیال را در شعر وی خلق کرده است، تشبیه بلیغ نیز در شعر وی نمودی ویژه دارد. وی در اشعار عاشورایی خود به‌نسبت بیشتری از تشبیه بلیغ استفاده کرده است و گویی که شاعر علاقه‌ای وافر به این امر نشان داده است و درصدد بوده است تا با این تشبیه مایه تأثیر و خیال‌انگیزی اشعار خود را فراهم سازد. از آن‌جا که صفارزاده با اندیشه در ارتباط بیشتری است و همواره به انتقال معنا بیشتر از کالبد سخن می‌اندیشد، خود را در قید و بند تصویر اسیر نمی‌کند و تنها در جایی که ضرورت ببیند دست به خلق آفرینش صورت‌های

خیال و بدیعی همانند تشبیه می‌زند. در واقع به عبارتی دیگر می‌توان گفت که تصویری همانند تشبیه در شعر وی عمدتاً در یک بند یا یک عبارت به شکلی فشرده بیان نشده است بلکه بیشتر در شعر جریان می‌یابد و شعر در کلیت خود می‌تواند تصویری همانند تشبیه را خلق کند. صفارزاده عنصر تشبیه را به شیوه‌ای به کار می‌گیرد که در عین داشتن ماهیت تصویرسازی، بخشی از ساختار واقعی کلام نیز باشد و نتواند مفهوم مورد نظر شاعر را به گونه‌ای که مورد نظر وی نیست را بیان کند. البته این به آن معنا نیست که صفارزاده با توجه به این دیدگاه تنها گزارش‌نویسی را مد نظر قرار دهد بلکه همواره این امر را مورد توجه قرار می‌دهد که زمانی که مخاطب با فضایی غیرشاعرانه از سوی وی مواجه گردد، او با یک تکان و ضربه‌ای ناگهانی همانند تشبیه به اصل شعر باز می‌گردد.

از مؤلفه‌های شاخص در گزاره‌های تشبیهی فاطمه راکعی نیز سادگی، دوری از عادت‌زدگی و کلیشه، توجه به مفاهیمی که در تناسب با موضوع هستند و تأثیرپذیری از نگاهی آرمانی، مقدس و انقلابی است. راکعی در اشعار عاشورایی خود بیشتر از تشبیهات حسی به‌عقلی بهره برده است و پیچیدگی و ابهام در تشبیهات وی دیده نمی‌شود. در تشبیهات عاشورایی راکعی قصدی برای تغییر فضا ندارد مثلاً مخاطب را از زمین به آسمان رفتن و یا از گذشته به حال بیاورد، در واقع وی درصدد است تا عاشورا و امام حسین (ع) را با تشبیهات خود در برابر چشم مخاطب قرار دهد و به اعماق تاریخ ببرد. وی این‌گونه کارکردهای تشبیه را به خوبی درک کرده است و آنان را در شعر خود به‌کار گرفته است. هم‌چنین در شعر او تشبیه بلیغ نیز نمودی ویژه دارد و وی از تشبیه برای ایجاد فضایی احساسی و لطیف برای انتقال مفاهیم عاشورایی بهره برده است و به‌طور کلی می‌توان گفت که تشبیهات وی ساده و به دور از هرگونه تکلف است.

### نتیجه‌گیری

شاعران دفاع مقدس به نوعی تشبیه‌گرا هستند و با به‌کاربردن تشبیهات مفرد و ساده در شعر خود به تشبیهات مرکب و مقید توجهی اندک داشته‌اند. این شاعران به فنون ادبی شعر و نیز تشبیهات پیچیده توجهی اندک داشته‌اند و تنها به انتقال معنا به خواننده آن هم از راه تشبیهات ساده بسنده کرده‌اند. گزاره‌های تشبیهی در اشعار شاعران دفاع مقدس فضایی روان و سیال را در متن شعر ایجاد کرده است که همین گزاره‌ها در تقویت موسیقی درونی اشعار آنان نیز مؤثر واقع شده است. رعایت جنبه موسیقایی میان مشبه و مشبه‌به در اشعار این شاعران زمینه را برای



هماهنگی میان این دو (مشبه و مشبه‌به) فراهم کرده است و می‌توان عنصر شهادت و دفاع مقدس را عنصری غالب در تشبیهات این شاعران بوده است که از نظر زبان و معنا نیز به اشعار آنان غنا و گستردگی بخشیده است. در اشعار این شاعران و تحلیل عاشورا در شعر آنان، غالباً اجزای تشبیه از یک حوزه معنای یا از حوزه‌های نزدیک به هم انتخاب شده‌اند و همین امر به زیبایی و انسجام این اشعار کمک کرده است. سیر تشبیه در اشعار این شاعران به گونه‌ای بوده است که آنان در کنار خلق عناصری جدید، روابط پیچیده و تأمل‌برانگیز را میان اشیاء و موجودات برقرار کرده‌اند و این شاعران در کل قالبی نو را در تشبیه برای بیان افکار و احساسات عاشورایی خود برگزیده‌اند. تلاش شاعران عاشورایی در راستا، عینیت‌بخشیدن به ذهنیت‌ها و حسی کردن امور عقلی و تفهیم هر چه بیشتر و بهتر واقعه عاشورا در شعر است.

### منابع

#### کتاب‌ها

- راکعی، فاطمه (۱۳۸۲) *مادرانه‌ها*، تهران: انتشارات تهران.
- رجایی، محمدخلیل (۱۳۷۲) *معالم‌البلاغه*، شیراز: دانشگاه شیراز.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۷) *صورخیال در شعر فارسی*، تهران: آگاه.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۵) *بیان*، تهران: میترا.
- صفارزاده، طاهره (۱۳۸۴) *دیدار صبح*، جلد ۲، تهران: پارس کتاب.
- مجاهدی، محمد علی (۱۳۷۶) *بال سرخ فنوت*، مجموعه شعر عاشورایی، تهران: حوزه هنری تبلیغات اسلامی.
- محمدزاده، مرضیه (۱۳۹۳) *طرحی نو در دانش‌نامه شعر عاشورایی*، تهران: سازمان چاپ و انتشارات؛ وابسته به امور خیریه.
- مردانی، نصراله (۱۳۷۰) *خون‌نامه خاک*، تهران: کیهان.
- مردانی، نصراله (۱۳۷۴) *سمند صاعقه*، تهران: حوزه هنری.
- مردانی، نصراله (۱۳۷۶) *قانون عشق*، تهران: سیمرغ.
- مردانی، نصراله (۱۳۸۶) *مست برخاستگان*، تهران: نکا.
- معلم دامغانی، علی (۱۳۷۸) *رجعت سرخ ستاره*، تهران: سوره.
- معلم دامغانی، علی (۱۳۸۷) *حیرت دمیده‌ام*، تهران: سوره مهر.

معلم دامغانی، علی (۱۳۹۲) *هزاره اول خاک*، تهران: کتاب نشر.

همایی، جلال الدین (۱۳۷۷) *فنون بلاغت و صناعات ادبی*، تهران: هما.

## References

### Books

- Homaei, Jalaluddin (2009) *Rhetoric techniques and literary industries*, Tehran: Homa.
- Mardani, Nasraleh (1991) *Khoon-Namah Khak*, Tehran: Keihan.
- Mardani, Nasraleh (1995) *Samand Sa'eqah*, Tehran: Hozeh Art.
- Mardani, Nasraleh (1997) *Law of Love*, Tehran: Simorgh.
- Mardani, Nasraleh (2007) *Mast Berkhastegan*, Tehran: Neka.
- Moalem Damghani, Ali (1999) *Rejat Serkh Setareh*, Tehran: Surah.
- Moalem Damghani, Ali (2008) *I am amazed*, Tehran: Surah Mehr.
- Moalem Damghani, Ali (2012) *The first millennium of soil*, Tehran: Publishing House.
- Mohammadzadeh, Marzieh (2013) *A new project in Ashurai poetry encyclopedia*, Tehran: Printing and Publishing Organization; Related to charity.
- Mojahedi, Mohammad Ali (1997) *The Red Wings of Qanoot, Ashurai Poetry Collection*, Tehran: Islamic Propaganda Art Field.
- Rajaei, Mohammad Khalil (1993) *Ma'alam Al Balagha*, Shiraz: Shiraz University.
- Rakei, Fatemeh (2012) *Motherhood*, Tehran: Tehran Publications.
- Safarzadeh, Tahereh (2004) *Didar Sobh*, Volume 2, Tehran: Pars Kitab.
- Shafi'i Kodkani, Mohammad Reza (2007) *Sorkhayal in Persian poetry*, Tehran: Agha.
- Shamisa, Siros (2006) *Bayan*, Tehran: Mitra.

Interpretation and Analysis of Persian Language and Literature Texts (Dehkhoda)

Volume 15, Number 55, Spring 2023, pp. 368-386

Date of receipt: 24/12/2019, Date of acceptance: 2/1/2021

(Research Article)

DOI: [10.30495/dk.2023.700179](https://doi.org/10.30495/dk.2023.700179)

**Examine the simile element in Ashura poetry of sacred defense poets (Nasrollah Mardani, Ali Moallem, Tahereh Safarzadeh, Fatemeh Rakei)**  
Tahereh Satarian<sup>1</sup>, Dr. Mohammad Reza Shadmanaman<sup>2</sup>

۶۶۶

**Abstract**

The simile is at the top of the expression style, in that way the most obvious forms of imagination is the simile element that the most used in all times. Paying attention to the analogy in contemporary poetry has also been one of the most important principles in the poetry of poets of sustainability literature that is the best expressed. Thinking and reflecting on the work of sacred defense (Nasrollah Mardani, Ali Moallem, Tahereh Safarzadeh, Fatemeh Rakei) poets somehow it opens the way to understanding imitation of these people and the other hand it shows the ingenuity of these poets. In fact, the metaphorical structures in a poet's poetry are among the first components that reflect this change. The similes have the specific place in the poetry of this period and many of them have mystical roots. In fact the most poets of sacred defense in expression in analogy in his poem have used tangible and material elements and the use of abstract elements in making similes has become commonplace. This article is a descriptive\_ analytical study based on library data examine the simile element in Ashura poetry of sacred defense poets.

**Keywords:** simile, Ashura poetry, sacred defense poets, sustainability.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

<sup>1</sup> . PhD student, Department of Persian Language and Literature, Khalkhal Branch, Islamic Azad University, Khalkhal, Iran. nafise.h124000@gmail.com

<sup>2</sup> . Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Khalkhal Branch, Islamic Azad University, Khalkhal, Iran. (Corresponding author) mr.shadmanamin@gmail.com